

گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی اجتماعی آن در شهر تهران*

فاطمه مدیری، استادیار، گروه مطالعات خانواده، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،

ایران*

چکیده

به دنبال صنعتی شدن و تغییرات سریع و فزاینده متعاقب آن، در برخی جوامع، خانواده و ابعاد مختلف آن از جمله ارزش‌های خانوادگی به چالش کشیده شده است. بر این اساس در این مقاله به این سؤالات اساسی پاسخ داده شده است که وضعیت گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی در شهر تهران چگونه است، روند تغییرات ارزشی در خانواده به چه شکل است و گروه‌های مختلف اجتماعی به کدام گونه از ارزش‌ها گرایش بیشتری دارند. جامعه آماری پژوهش، افراد ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای PPS و ابزار به‌کارگرفته شده پرسش‌نامه بوده است و بر این اساس، ۶۰۰ نمونه، انتخاب و تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند خانواده در شهر تهران همچنان اهمیت زیادی دارد. ارزش‌های سنتی و مدرن خانوادگی در سطح وسیع و بارقه‌هایی از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در برخی ابعاد به چشم می‌خورد. در بستر گذار نسلی از نسل اول به سوم ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن افزایش یافته است. در ارزش‌های سنتی و مدرن، جنسیت و در ارزش‌های پست‌مدرن، نسل و وضعیت تأهل، عوامل تعیین‌کننده‌تری هستند. نسل دوم در ارزش‌های مدرن، همانند نسل سوم و در ارزش‌های پست‌مدرن، همانند نسل اول عمل کرده و با این انعطاف امکان همزیستی نسلی را فراهم کرده است. متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در ارزش‌های سنتی، بیشترین و در ارزش‌های پست‌مدرن، کمترین توان تبیین را دارند. در ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن، همگرایی نسلی بیش از همگرایی جنسیتی مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های خانوادگی سنتی، ارزش‌های خانوادگی مدرن، ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن، نسل، متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

* نگارنده از پیشنهادات و نظرات ارزشمند جناب آقای دکتر رسول صادقی، معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور در این مقاله قدردانی و تشکر می‌کند.

Email: fateme.modiri@psri.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۳۰۲۴۸۳

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، واحدی اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی است و از معدود مفاهیمی است که برای بسیاری از مردم دنیا در رأس برنامه‌های مهم زندگی قرار دارد و بسیاری از افراد جهت‌گیری‌های علمی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی خود را براساس آن سامان می‌دهند. با این حال، دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر موجب شده است خانواده نیز مانند دیگر نهادهای اجتماعی، تغییرات فراوانی را پشت سر گذارد و فراز و نشیب بسیاری را تجربه کند.

در دهه‌های اخیر به دنبال رشد اقتصادی، افزایش سطح آموزش و پرورش، مهاجرت‌ها، افزایش دانش فناوری، وجود رسانه‌ها، ارتباطات جهانی و ... تقریباً همه جوامع تغییرات سریع و مستمر در ارکان گوناگون زندگی اجتماعی و از جمله تغییر در خانواده را تجربه کرده‌اند و برخلاف جوامع سنتی - که با ویژگی‌هایی مانند بسته‌بودن، همگن‌بودن، با آزادی محدود افراد و تغییرات محدود، پیش‌بینی‌پذیر و یکنواخت شناخته می‌شده‌اند - تغییرات سریع و مداوم در تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی، عنصر اساسی در تئوری‌های مدرن بوده است و امروزه گرایش به تغییر و تحول به نوعی نشان‌دهنده تداوم جوامع انسانی است؛ اما تأثیر مدرنیته به دلیل تاریخ متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در همه جوامع یکسان نیست و در تمام کشورها با سرعت برابر پیش نمی‌رود. بنابراین، به طبع تغییرات فرهنگی نیز یکنواخت نبوده و از نظر زمانی، جهت، شدت و ترتیب در جوامع گوناگون و همچنین در یک جامعه متفاوت است.

به دلیل جهانی‌شدن و فرایند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی نیز پیامدهایی را در خود پذیرفته است. رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، میزان استفاده از رسانه‌ها، افزایش امید به زندگی، کاهش فرزندآوری، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی، رشد شاخص توسعه انسانی، همگی

از جمله شاخص‌های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است.

امروزه خانواده در ایران از واحدی تولیدی به امری اجتماعی تبدیل شده و ضمن تغییر از ساختار سنتی خود، همچنان مهم‌ترین نهاد اجتماعی از دید افراد ایرانی است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۸) و برطرف‌کننده نیازهای مختلف فرد بوده است و با وجود واگذاری برخی کارکردها به دیگر نهادهای اجتماعی، امر تولیدمثل، تربیت فرزندان، حمایت آموزشی و پرورشی از فرزندان، مشارکت در ازدواج فرزندان را بر عهده دارد. همچنین، برخی پژوهش‌ها نشان‌دهنده بروز مشکلات در این حوزه است. در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ترتیب ۶٪ و ۵٪ از زنانی که ۱۰ سال یا بیشتر از ازدواجشان گذشته است از همسرانشان جدا شده‌اند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). ۲٪ ایرانیان معتقدند زن‌ها بدون داشتن روابط ثابت با هیچ مردی صاحب فرزند می‌شوند، ۹٪ از ایرانیان همجنس‌بازی و ۸٪ از ایشان فحشا و خودفروشی را مجاز می‌دانند. ۱۰٪ از ایرانیان معتقدند ازدواج به نهادی منسوخ مبدل شده است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹ - ۷۳). رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است و تحولات چشمگیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان ایجاد شده است (آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ۴۳۷ به نقل از گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی‌نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸ و مهدوی، ۲۰۰۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این پژوهش‌ها به نوعی نشان‌دهنده تغییر ارزش‌ها، افول ارزش‌های سنتی خانوادگی و افزایش آزاداندیشی‌های پست‌مدرن یا حضور هم‌زمان ارزش‌های سنتی، مدرن و پست‌مدرن است که هریک از آنها به زمینه متناسب با آنها نیازمند است و چنین وضعیتی در جامعه ایرانی سؤال‌برانگیز و تأمل‌برانگیز است که همواره خانواده‌مداری از ویژگی‌های آن بوده است. به نظر می‌رسد تغییر در ارزش‌هاست که بر برخی مسائل مربوط به حوزه خانواده از جمله شیوه‌های همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر

طیفی از نااطمینانی نسبت به روابط پایدار در زندگی زناشویی می‌دانند (دلخمش، ۱۳۸۸: ۲۰۹ - ۲۰۸).

همچنین تغییر در ارزش‌ها در مطالعات چودوری و تراواتو^۳ (۱۹۹۴)، گوتیرز - دومنه^۴ (۲۰۰۸)، مالهورتا و تسیو^۵ (۱۹۹۶)، ویلیامز^۶ (۲۰۰۷)، چو و شین^۷ (۱۹۹۶)، شاکلا و کاپادیا^۸ (۲۰۰۷)، ونگ^۹ (۱۹۹۴)، هیگینز و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۲)، یو (۱۹۹۴)، اسمیت و باس^{۱۱} (۲۰۰۱)، باس (۱۹۸۹)، باس و همکاران (۲۰۰۱)، تورو، مورن و اسپرچر^{۱۲} (۲۰۰۳)، شاکلفورد^{۱۳}، اسمیت، باس (۲۰۰۵)، اریکسن^{۱۴} (۱۹۶۸)، لوینسن، دارو، کلایسن، لوینسن، مک‌کی^{۱۵} (۱۹۷۸)، وایلنت^{۱۶} (۱۹۷۷) نیز آورده شده است (دلخمش، ۱۳۸۸: ۲۰۸).

مشیدی در پایان‌نامه خود با عنوان تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تحول شیوه‌های همسرگزینی از تبعیت از خانواده به عشق آزاد، از الگوهای مشخص به ابهام در الگوها، حرکت از تشکیل خانواده سنتی با ثبات هدفمند به خانواده جدید بی‌ثبات و بی‌هدف، حرکت ارزش‌های خانواده از ارزش‌های سنتی مبتنی بر پایداری و حفظ خانواده به سوی ارزش‌های جدید و از بین رفتن قبح طلاق و رواج جدایی اشاره داشته است (مشیدی، ۱۳۹۰).

آزادارمکی و عسگری خانقاه (۱۳۸۰) نشان می‌دهند تفاوت و نه تضاد نسلی در حوزه ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی ایجاد شده و اهمیت نسل جوان در ارزش‌های فرهنگی بیش از پیش مطرح است. جامعه ایرانی با تفاوت نسلی روبه‌رو شده است، ضمن اینکه نسل پیرتر و نوجوانان و کودکان

از همدیگر، مناسبات میان زوجین یا روابط میان فرزندان و والدین تأثیر گذاشته است.

ارزش‌ها زیربنا و الگوی رفتار و اعمال به شمار می‌آیند و نقش اساسی در کنش‌های انسانی دارند و تغییر در ارزش‌ها و اعتقادات بنیادین بر رفتار سیاسی، جنسی و مذهبی اثرگذار است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، برخی نابسامانی‌های خانواده در تغییر ارزش‌های خانوادگی یا عواقب ناشی از تغییر ارزش‌های خانواده یا حضور هم‌زمان ارزش‌های متفاوت و گاهی متناقض است؛ بنابراین، بررسی وضعیت ارزش‌های خانوادگی، وضعیت خانواده را به نمایش می‌گذارد و نمایی از آینده خانواده را ترسیم می‌کند. در این پژوهش، گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی در شهر تهران بررسی می‌شود و سؤالات اساسی مطرح‌شده در این پژوهش این است که در جامعه ما که در گذر از سنت به مدرنیته است وضعیت گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی چگونه است؛ آیا ما با تغییر ارزش‌های سنتی به مدرن مواجهیم یا با هم‌زمانی گونه‌های مختلفی که هریک بستر خاص خود را می‌طلبند؛ آیا چنانکه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در این جامعه پیش از پیوستن به جوامع صنعتی، ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی نیز به چشم می‌خورد؛ بررسی نسلی ارزش‌های خانوادگی چه روندی را نشان می‌دهد؛ گروه‌های مختلف اجتماعی به کدام یک از گونه‌های ارزش‌های خانوادگی گرایش بیشتری دارند.

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

در حوزه تغییر ارزش‌های خانوادگی، آکسین و تورنتن^۱ (۱۹۹۳)، بامپس^۲ (۱۹۹۸) و منینگ، لانگ مور و جوردانو^۴ (۲۰۰۷) نشان دادند آرایش‌های غیرسنتی، زندگی مشترک غیررسمی و همچنین پذیرش رابطه جنسی پیش از ازدواج در نزد جوانان و نوجوانان مقبولیت یافته و بیش از پیش مجاز شمرده شده است. آنها رشد این انتخاب‌ها را در

³ Chowdhury & Trovato

⁴ Gutierrez & Domenech

⁵ Malhotra & Tsui

⁶ Williams

⁷ Choe & Shin

⁸ Shukla & Kapadia

⁹ Wang

¹⁰ Higgins et al.

¹¹ Schmitt & Buss

¹² Toro, Morn & Sprecher

¹³ Shackelford

¹⁴ Erikson

¹⁵ Levinson, Darrow, Klein, Levinson & Mckee

¹⁶ Vaillant

¹ Axinn & Thornton

² Bumpass

دانشی می‌داند که به‌طور گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. او نظریه‌ای درباره تغییر ارزشی پیشنهاد کرده است که براساس آن اولویت‌های ارزشی در جوامع صنعتی از توجهات مادی‌گرایانه درباره اقتصاد و امنیت فیزیکی به تأکید بیشتر بر آزادی، خوداظهاری و کیفیت زندگی یا ارزش‌های پسمادی‌گرایانه تغییر جهت یافته است. تز تغییر ارزش‌ها نشان می‌دهد که تغییر اولویت‌های ارزشی از اولویت‌های مادی‌گرایانه به پسمادی‌گرایانه بالقوه یک روند جهانی است. این امر باید در هر کشوری رخ دهد که از شرایط ناامنی اقتصادی به امنیت نسبی حرکت کرده است (وثوقی و اکبری، ۱۳۸۹: ۱۰۳ به نقل از اینگلهارت و آبرامز، ۱۹۹۴).

اینگلهارت در نظریه خود به بررسی نقش نوسازی در ایجاد تغییر از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خوداظهاری و از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار عقلانی اشاره می‌کند. اینگلهارت و ولزل با بررسی نظریه‌های مختلف درباره تأثیر نوسازی بر تغییرات ارزشی به وجود دو مکتب فکری عمده در این زمینه قائل هستند. یک مکتب بر همگرایی ارزش‌ها به‌عنوان نتیجه‌ای از نوسازی اشاره می‌کند. این مکتب پیش‌بینی می‌کند ارزش‌های سنتی کاهش می‌یابد و با ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شود. دیگر مکتب فکری بر پایداری ارزش‌های سنتی به‌طور نسبی مستقل از ارزش‌های اقتصادی تأکید می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۹). ایشان می‌نویسند: نظریه‌پردازان نوسازی از کارل مارکس تا دانیل بل عنوان کرده‌اند توسعه اجتماعی و اقتصادی، تغییرات فرهنگی فراگیری را به همراه دارد. نظریه‌پردازان فرهنگی از ماکس وبر تا هانتینگتون ادعا کرده‌اند ارزش‌های فرهنگی، نفوذ مداوم و مستقلی بر جامعه دارند. این دو متناقض به نظر می‌رسد؛ اما هر دو مکتب درست می‌گویند و ما شواهد تجربی از تغییرات فرهنگی و تداوم و پایداری سنت‌های متمایز فرهنگی ارائه می‌کنیم (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۸۳).

اینگلهارت معتقد است دگرگونی فرهنگی تدریجی است و

وجود دارند، جوانان، یک گروه اجتماعی جدید مطرح می‌شوند؛ اما به نظر می‌رسد آنچه گسست نسلی عنوان می‌شود، در واقع انقطاع میان نسل‌ها نیست و تفاوت موجود بیان‌کننده تحولات اجتماعی فرهنگی از نوع روابط ترکیبی است. جوانان از لحاظ نحوه گذران اوقات، دوست‌یابی، علایق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی با پیران متفاوتند؛ اما این تفاوت به‌گونه‌ای نیست که آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۸۴).

گودرزی نیز در پژوهش خود نشان داده است تغییر ارزش‌ها با متغیرهای تحصیلات، جنسیت، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان تقدیرگرایی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه با عملکرد مسئولان از دید پاسخ‌گویان رابطه معنادار دارد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۴۲۱)؛ همچنین، نتایج مشابهی در مطالعات خزائی (۱۳۷۹)، ملکی (۱۳۸۴)، آزادارمکی (۱۳۸۰)، شکوری و آزادارمکی (۱۳۸۱) مشاهده می‌شود.

مهم‌ترین نظریه درباره تغییر ارزش‌ها حول نظریه نوسازی می‌چرخد که چارچوب نظری این مقاله نیز برگرفته از این نظریه است. ادعای مرکزی نظریه نوسازی این است که توسعه اقتصادی با تغییرات منسجم و تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی در زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منطبق شده است. مدارک و بررسی‌های مختلف از سراسر جهان نشان می‌دهد توسعه اقتصادی، جوامع را به یک جهت تقریباً قابل پیش‌بینی سوق می‌دهد. صنعتی‌شدن به تخصصی‌شدن مشاغل، افزایش سطح تحصیلات، افزایش سطوح درآمد و همچنین تغییرات پیش‌بینی‌نشده مانند تغییرات در نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها نسبت به اقتدار و هنجارهای جنسی، کاهش میزان باروری و گسترش مشارکت سیاسی منجر می‌شود (Inglehart & Baker, 2000: 21).

اینگلهارت، فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و

از دید اینگلهارت، تحصیل کرده‌ها و ثروتمندان (که امنیت بیشتری دارند) احتمال بیشتری دارند که ارزش‌های پسامادی داشته باشند. اینگلهارت با رویکرد تعامل نهادی می‌نویسد «هر نظام اقتصادی و سیاسی باثبات، نظام فرهنگی همساز و پشتیبانی دارد که به آن مشروعیت می‌بخشد؛ به طوری که اعضای آن جامعه، یک سلسله قواعد و هنجارها را می‌پذیرند و درونی می‌کنند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸ به نقل از اینگلهارت، ۱۳۸۶).

اینگلهارت نشان می‌دهد شکاف جنسیتی در ابعاد مختلف در جوامع صنعتی و فراصنعتی کمتر بوده است و زنان در این جوامع در ایجاد تغییرات ارزشی و فاصله‌گیری از ارزش‌های سنتی نقش رهبری را ایفا می‌کنند (Inglehart & Norris, 2003). جامعه‌شناسانی مانند گیدنز، اولریک بک و الیزابت بک نیز به تغییر آگاهی در جوامع غربی اشاره کرده‌اند که به تحول در تجربه شخصی افراد منجر شده است و معتقدند زنان با افزایش مشارکت اقتصادی و افزایش جدایی‌ها و طلاق‌ها توانسته‌اند به ایجاد تغییراتی دست یابند (Gillis, 2003) و بر این اساس به جنسیت به عنوان عامل اثرگذار بر تغییر ارزش‌ها تأکید دارند.

چنانکه گفته شد ارزش‌های فرهنگی، تنها از متغیرهای اقتصادی اجتماعی متأثر نیستند و به‌ویژه از احساس امنیت متأثرند؛ اما در این مقاله باتوجه به هدف پژوهش، فرضیه‌ها به این متغیرها محدود می‌شوند؛ چنانکه نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت و مطالعات پیشین، نشان می‌دهد زنان بیش از مردان خواهان فاصله‌گیری از ارزش‌های سنتی هستند و مردان در مقابل آن، مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین، نسل جوان در پذیرش ارزش‌های جدید تساهل و تسامح بیشتری دارند و تغییر برای نسل‌های پیشین دردناک‌تر است. انتظار ما بر آن است مجردا که عمدتاً از نسل‌های جوان‌تر نیز هستند، پابندی کمتری به ارزش‌های سنتی داشته باشند. تغییرات ارزشی در جوامع توسعه‌یافته بیش از دیگر

آن، بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است؛ از این‌رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند؛ درحالی‌که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است. جهان‌بینی افراد تنها به آنچه بزرگ‌ترها به آنها می‌آموزند بستگی ندارد؛ بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است. نسل بزرگسال در برابر تغییرات بیشتر مقاومت می‌کند و تغییر در میان گروه‌های جوان‌تر با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۸۵).

در جوامع ثروتمند فراصنعتی، نسل جوان بسیار بیش از نسل گذشته بر ارزش‌های ابراز وجود تأکید دارند. در مقابل، در جوامع کم درآمد که در طول پنج دهه گذشته، رشد اقتصادی بنیادی را تجربه نکرده‌اند، تمایزهای بین نسلی چندانی وجود ندارد و نسل جوان و نسل گذشته احتمالاً به‌طور برابری بر ارزش‌های سنتی یا مدرن تأکید می‌کنند. با این حال، او معتقد است ارزش‌های مردم کشورهای با درآمد بالا به سرعت در حال تغییر هستند؛ اما ارزش‌های جوامع کم درآمد یا اصلاً تغییر نمی‌کنند یا بسیار آهسته در حال تغییر هستند؛ اما برخلاف انتظارات مارکسیستی، میراث فرهنگی و تاریخی همچنان بر نوع ارزش‌ها و نحوه رفتار مردم معتقد به آن تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. عموم مردم جوامع صنعتی، ثروتمندتر و باسوادتر می‌شوند؛ اما در حال حرکت به سوی فرهنگ جهانی واحد و همسان نیستیم، همگرایی فرهنگی در حال شکل‌گیری نیست و میراث فرهنگی هر جامعه به‌طور چشمگیری ماندگار است و بنابراین، فرایند تغییر فرهنگی، خطی نیست و جهت غالب تغییر در تاریخ بارها دگرگون شده است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

کشورهاست؛ بنابراین، فرض ما بر این است که در سطح خرد نیز این موضوع مصداق پیدا کرده است و افرادی که به لحاظ تحصیلی و درآمدی در سطح بالاتری هستند، استقبال بیشتری از ارزش‌های جدید نشان دهند. اینگلهارت معتقد است بیشتر تحصیل‌کردگان به جهان‌بینی‌های مدرن تمایل دارند و همچنان که سطح تحصیلات افزایش می‌یابد جهان‌بینی‌های سنتی به‌طور اجتناب‌پذیری در مقابل جهان‌بینی‌های عقلانی سکولار تضعیف شده است و رو به افول می‌گذارند. سطوح بالاتر آموزش رسمی به ارتباط با ارزش‌های سکولار عقلانی و ارزش‌های ابراز وجود تمایل دارند؛ اما تحصیلات بالاتر، تنها شاخص میزان جذب افراد به ایده‌آل‌های شناخت علمی، عقلانی و انسان‌گرایی نیست. سطح بالای تحصیلات، شاخصی از وجود نسبتاً بالای امنیت وجودی و امنیت بقا است که اولویت قائل شدن برای استقلال و انتخاب فردی را موجب می‌شود. همچنین در صورت برابری، سایر شرایط توسعه اقتصادی، سکولارتر شدن، متساهل‌تر و معتمدتر شدن افراد را موجب شده و آنها را به تأکید بر ابراز وجود، مشارکت و تلاش در راستای ارتقای کیفیت زندگی سوق می‌دهد. از دید اینگلهارت، افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را برای تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند؛ بنابراین، پیدایش جامعه‌فراصنعتی به افزایش بیشتر بر خودابرازی در مقابل تأکید بر ارزش‌های سنتی منجر می‌شود (Inglehart & Baker, 2000). بنابراین تأثیر معنادار متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و نسل بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی مفروض است.

روش و داده‌ها

پژوهش حاضر پیمایشی مقطعی با ابزار پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت است. جامعه آماری پژوهش، کلیه افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران هستند که جمعیت آنها در سال

۱۳۸۵ براساس اطلاعات مرکز آمار ۶۲۴۸۶۸۸ نفر است که در ۴۳۳۶ حوزه سکونت داشتند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم نمونه براساس سطح اطمینان ۹۵٪ (دواس، ۱۳۸۶: ۷۸) و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵، براساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است با احتساب تأثیر طرح^۱ (سرائی، ۱۳۸۴: ۱۴۶) برابر ۱/۵ (با در نظر گرفتن بودجه، امکانات و زمان) حجم نمونه، ۵۷۶ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی نمونه به ۶۰۰ نمونه افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای PPS^۲ بوده است. برای انتخاب مناطقی از شهر تهران که بتواند معرف خوبی برای مناطق مختلف باشد، در ابتدا جمعیت کل شهر تهران ۷۸۷۲۲۸۰ نفر بود که در ۴۳۳۶ حوزه پراکنده‌اند؛ در نتیجه، از میان این حوزه‌ها ۱۰۰ حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد. از تقسیم جمعیت تهران بر این ۱۰۰ حوزه، فاصله انتخاب ۷۸۰۳۹ به دست می‌آید. نخستین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شده است (حوزه شماره ۷۸۶). سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به نخستین نمونه، نمونه‌های دیگر به دست آمد. پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های نمونه‌گیری و درب منازل افراد به جمع‌آوری داده‌ها با تکمیل پرسش‌نامه اقدام کردند. سپس برای رسیدن به حجم نمونه‌ای نمایا از جمعیت تهران براساس حجم هر گروه سنی، وزن‌دهی، انجام و داده‌ها برای تجزیه و تحلیل نهایی مهیا شد. در این پژوهش از اعتبار صوری^۳ و اعتبار سازه^۴ استفاده شد. برای کسب اعتبار صوری، پرسش‌نامه بازبینی شد که اساتید گروه جامعه‌شناسی تهیه کرده بودند و پس از آزمون اولیه و اعمال اصلاحات، پرسش‌نامه نهایی، تهیه و برای کسب اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. برای سنجش پایایی گویه‌های

¹ Design effect

² Probability proportional to size

³ Face Validity

⁴ Construct Validity

پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ بهره برده شد. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش به قرار زیر است:

در این پژوهش، متغیر وابسته ارزش‌های خانوادگی در سه بعد سنتی، مدرن و پست‌مدرن است که طبق تعریف اینگلهارت مدنظر است. در ارزش‌های خانوادگی سنتی «احترام، اطاعت، رد سقط جنین، اولویت‌های اصلی زنان، داشتن فرزند و بزرگ کردن آن، محکوم کردن همجنس‌گرایی، طلاق، سقط جنین، اهمیت خانواده، مفتخر ساختن والدین به عنوان هدف اصلی، اطاعت بی‌چون و چرا از والدین، والدین باید بهترین چیزها را برای فرزندان انجام دهند حتی به ضرر خود، اهمیت هم‌نوایی اجتماعی بیش از فردگرایی» مطرح است که با صنعتی شدن جوامع به ارزش‌های خانوادگی مدرن که در آن «نقش خانواده هنوز مهم است؛ اما با پیدایش دولت رفاه تعدیل شده است، تعویق فرزندآوری و تمایل به کمتر بودن تعداد فرزندان، استقلال زوجین، تربیت کودک براساس استقلال، پذیرش اشتغال زنان، برابری جنسیتی» و در جوامع فراصنعتی به ارزش‌های پست‌مدرن «نیاز چندانی به خانواده نیست، پذیرش همجنس‌گرایی، طلاق، سقط جنین، پذیرش هنجارهای جنسی آزاداندیشانه، خوداظهاری، ابراز وجود فردی، آزادی فردی، خودمختاری، جامعه فرد محور» تبدیل می‌شود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۹۰).

در تعاریف عملیاتی، هریک از گونه‌های ارزش‌های خانوادگی با ۹ گویه سنجیده شده است. ارزش‌های خانوادگی سنتی با گویه‌های زیر با ضریب آلفای ۰/۷۶۱ سنجیده شده است: زن باید مطیع همسر خود باشد؛ برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است؛ در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت؛ در خانواده، مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است؛ در خانواده بیش از همه باید به بزرگ‌ترها احترام گذاشت؛ درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و طوری مصرف شود که او صلاح می‌داند؛ بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد و معکوس گویه‌های در صورت توافق زن و شوهر

سقط جنین باید آزاد باشد، دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند. ارزش‌های خانوادگی مدرن با گویه‌های زیر با ضریب آلفای ۰/۶۹۴ سنجیده شده است: زن حق دارد درآمد خود را طوری خرج کند که می‌خواهد؛ زن حق دارد در تعیین تعداد فرزندان خود تصمیم بگیرد؛ والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند؛ زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند؛ در تربیت فرزند باید به او استقلال و فکرکردن را آموخت؛ مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند؛ هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند؛ اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند و معکوس گویه بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد. ارزش‌های پست‌مدرن با گویه‌های زیر با ضریب آلفای ۰/۷۸۳ سنجیده شده است: از نظر من ازدواج باید منسوخ شود؛ میان راحتی خود و داشتن فرزند راحتی خود را انتخاب می‌کنم؛ در صورت توافق زن و شوهر، سقط جنین باید آزاد باشد؛ اگر ادامه زندگی برای زن با آسایش و خوشی او منافات داشته باشد می‌تواند طلاق بگیرد؛ دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند؛ زن متأهل نیز می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر خود برقرار کند؛ می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت؛ می‌توان همجنس‌بازی را پذیرفت؛ آسایش و لذت بردن در زندگی از همه چیز مهم‌تر است و افراد باید در پی خوشی خود باشند.

هریک از این گویه‌ها با امتیاز ۰ تا ۴ در طیف لیکرت سنجیده شده است؛ بنابراین، پاسخ‌گویان، هریک از متغیرهای ارزش‌های خانوادگی سنتی، مدرن و پست‌مدرن را در فاصله ۰ تا ۳۶ نمره‌دهی کرده‌اند.

متغیرهای مستقل پژوهش، نسل، جنسیت، وضعیت تأهل و موقعیت اقتصادی اجتماعی را شامل می‌شود. نسل از جمله

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: نمونه پژوهش از ۴۹٪ مرد و ۵۱٪ زن، ۳۵/۹٪ مجرد و ۶۴/۱٪ متأهل، ۶۶/۶٪ شاغل و ۳۳/۴٪ بیکار، ۲/۶٪ بی‌سواد، ۱۵/۱٪ ابتدایی، ۲۴/۸٪ زیردیپلم، ۲۳/۵٪ دیپلم، ۲۴٪ فوق‌دیپلم و لیسانس، ۷/۱٪ فوق‌لیسانس و ۲/۹٪ دکترا تشکیل شده است. در سنجش اهمیت خانواده از دید پاسخ‌گویان از دو گویه استفاده شده است: خانواده دیگر نهادی قدیمی شده است و ازدواج باید منسوخ شود. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، حدود ۹۲٪ افراد معتقدند خانواده نهادی قدیمی نیست و بیش از ۸۶٪ معتقدند ازدواج نباید منسوخ شود؛ بنابراین با وجود تغییراتی که در حوزه خانواده به‌وقوع پیوسته، خانواده در شهر تهران، مادرشهر مدرن و کانون اصلی گسترش فناوری‌های امروزی، همچنان اهمیت زیادی دارد.

مفاهیمی است که در توضیح اختلافات فردی و گروهی نقش مهمی ایفا می‌کند؛ اما علمای علوم اجتماعی، معانی متعددی از آن ارائه داده‌اند. از دید کارل مانهایم، نسل به‌عنوان یک واقعیت به‌بازتشیخ تجربیات افرادی می‌پردازد که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند. یک نسل به‌عنوان یک واقعیت، افرادی را شامل می‌شود که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱ به نقل از Diepstraten, 1999). مانهایم، اظهار می‌دارد هرچه سرعت تغییرات اجتماعی بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد گروه‌های جوانی با فرهنگ و الگوهای تعاملی مشترک ظاهر شوند که به‌طور واضح از الگوهای ترویج‌شده نسل پیرتر متفاوت باشند (وئوکی و اکبری، ۱۳۸۹: ۱۰۸ به نقل از سیمینسکا، ۲۰۰۲). در این پژوهش با توجه به تعریف مانهایم، افراد به سه نسل ۱۸ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۶۴ سال و ۶۵ سال و بالاتر تقسیم شده است. نسل اول، نسل قبل از انقلاب، کسانی هستند که دوران پهلوی، انقلاب و جنگ را تجربه کرده‌اند. در زمان انقلاب، شرایط سنی برای شرکت در کنش‌های سیاسی را داشته‌اند و دوران بعد از جنگ، بازسازی و اصلاحات را تجربه کرده‌اند. نسل دوم، نسل انقلاب، کسانی هستند که تجربه دقیقی از دوران پهلوی ندارند، جنگ را تجربه کردند و حتی نیروی فعال در جنگ بودند و تفاوت آنها با نسل اول، نداشتن تجربه دقیق دوران پهلوی است. نسل سوم، نسل بعد از انقلاب، کسانی هستند که در سنین کودکی جنگ را تجربه کرده‌اند یا بعد از جنگ متولد شده‌اند (فاضلی و کلاتری، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۹).

سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی، جنسیت (زن، مرد)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل)، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی را شامل هستند. درآمد با گویه هزینه خانواده شما در ماه تقریباً چقدر است؛ پایگاه اقتصادی و اجتماعی از ترکیب سه گویه منزلت شغلی^۱، درآمد و تحصیلات ساخته شده است.

^۱ مطابق با طبقه‌بندی کاظمی پور براساس نوع شغل از ۱ تا ۵ امتیازدهی شده است.

جدول ۱- وضعیت توزیع گویه‌های اهمیت خانواده

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	متوسط	مخالف	کاملاً مخالف	کل
خانواده دیگر فراوانی	۶	۱۱	۳۲	۱۷۸	۳۶۹	۵۹۶
قدیمی شده است درصد	۱/۱	۱/۸	۵/۴	۲۹/۸	۶۱/۹	۱۰۰
ازدواج بایسد فراوانی	۲۰	۲۳	۳۶	۱۶۹	۳۳۳	۵۸۱
منسوخ شود درصد	۳/۴	۴	۶/۲	۲۹	۵۷/۳	۱۰۰

چنانکه گفته شد برای بررسی ارزش‌های خانوادگی سه گونه ارزش‌های سنتی، مدرن و پست‌مدرن مدنظر بوده است. ارزش‌های خانوادگی سنتی در جدول ۲ توصیف شده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود اطاعت فرزندان از والدین، احترام به بزرگترها و نپذیرفتن تساهل و تسامح در هم‌خانگی دختر و پسر قبل از ازدواج در سطح وسیعی به چشم می‌خورد.

جدول ۲- توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	متوسط	مخالف	کاملاً مخالف	جمع		میانگین گویه
						درصد	فراوانی	
زن باید مطیع همسر خود باشد	۲۶/۴	۲۷/۴	۲۹/۳	۱۲/۱	۴/۸	۱۰۰	۵۹۵	۲/۵۸۳۰
برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است	۴۱/۳	۴۰/۷	۱۴/۱	۲/۹	۱/۱	۱۰۰	۵۹۰	۳/۱۸۳۰
در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت	۳۶/۵	۴۳/۲	۱۲/۱	۷/۳	۰/۹	۱۰۰	۵۹۱	۳/۰۷۱۱
در خانواده مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است	۱۶	۲۵/۹	۲۵/۱	۲۲/۶	۱۰/۴	۱۰۰	۵۸۹	۲/۱۴۵۶
در خانواده بیش از همه باید به بزرگترها احترام گذاشت	۵۲/۱	۳۷/۲	۷/۲	۲	۱/۵	۱۰۰	۵۹۹	۳/۳۶۳۴
درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و طوری مصرف شود که او صلاح می‌داند	۹/۲	۱۴/۹	۳۰/۹	۲۹/۵	۱۵/۶	۱۰۰	۶۰۰	۱/۷۲۷۵
بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد	۱۱	۱۵	۲۷/۷	۲۸/۴	۱۸	۱۰۰	۵۹۹	۱/۷۲۶۶
در صورت توافق زن و شوهر سقط جنین باید آزاد باشد (معکوس شده)	۲۶/۷	۲۱/۲	۱۳/۷	۲۳/۸	۱۴/۶	۱۰۰	۵۸۷	۲/۲۱۶۲
دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند (معکوس شده)	۴۷/۱	۲۷/۳	۱۰/۹	۹/۶	۵/۲	۱۰۰	۵۸۷	۳/۰۱۳۸
ارزش‌های سنتی خانوادگی	۲۹/۵۸۸	۲۸/۰۸	۱۹	۱۵/۳۵۵	۸/۰۱	۱۰۰	۵۹۳	۲/۵۵۹

گفته شد مطابق نظریه نوسازی، همگام با توسعه صنعتی در برخی جوامع، ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن خانوادگی مبدل شده است که در آن، نقش خانواده هنوز مهم است؛ اما با پیدایش دولت رفاه تعدیل شده، تعویق فرزندآوری و تمایل به کم‌تر بودن تعداد فرزندان، اشتغال زنان، برابری جنسیتی در

آن به چشم می‌خورد. توصیف ارزش‌های مدرن خانوادگی در جدول ۳ آورده شده است؛ چنانکه مشاهده می‌شود برابری جنسیتی و اهمیت به استقلال فرزندان و همسران در سطح وسیعی پذیرفته می‌شود.

جدول ۳- توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی مدرن

میانگین گویه	جمع		کاملاً مخالف	مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
	درصد	فراوانی						
۲/۵۹۰۶	۵۹۹	۱۰۰	۶/۴	۱۲/۲	۲۴/۶	۲۹/۳	۲۷/۴	زن حق دارد درآمد خود را طوری خرج کند که می‌خواهد
۲/۷۶۶۹	۵۹۷	۱۰۰	۳/۷	۹/۱	۲۴/۲	۳۲/۹	۳۰/۱	زن حق دارد در تعیین تعداد فرزندان خود تصمیم بگیرد
۲/۹۷۲۷	۵۹۶	۱۰۰	۱/۵	۳/۲	۲۴/۱	۳۸/۹	۳۲/۳	والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند
۳/۱۷۲۷	۵۹۵	۱۰۰	۳/۸	۴/۸	۱۳/۴	۲۶/۴	۵۱/۶	زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند
۳/۵۳۸۵	۵۹۵	۱۰۰	۰/۱	۱	۵/۸	۳۱	۶۲/۱	در تربیت فرزند باید به استقلال و فکرکردن را آموخت
۳/۶۷۷۷	۵۹۸	۱۰۰	۰/۶	۰/۶	۲/۷	۲۲/۷	۷۳/۴	اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند
۲/۸۵۱۴	۵۹۱	۱۰۰	۱/۵	۵/۴	۲۶/۹	۳۸/۸	۲۷/۴	مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند
۳/۲۴۲۳	۵۹۲	۱۰۰	۲	۳/۷	۱۰/۸	۳۵/۱	۴۸/۴	هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند
۲/۲۷۳۴	۵۹۹	۱۰۰	۱۱	۱۵	۲۷/۷	۲۸/۴	۱۸	بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد (معکوس شده)
۳/۰۰۹	۵۹۵/۷۷	۱۰۰	۳/۴	۶/۱۱	۱۷/۸	۳۱/۵	۴۱/۱۸۸	ارزش‌های مدرن خانوادگی

یافته‌های تحلیلی

حال سؤال اینجاست که جامعه ما به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار، در ارزش‌های خانوادگی چه وضعیتی دارد و چه روندی را طی می‌کند؛ آیا همچنان که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در این جامعه با کاهش ارزش‌های سنتی و ظهور ارزش‌های پست‌مدرن روبه‌رو هستیم؛ در پاسخ گویی به این سؤال در این پژوهش از شهر تهران استفاده شده است. شهر تهران، پایتخت و مادرشهر مدرن ایران و کانون اصلی گسترش فناوری‌های امروزی مطرح بوده است و از این‌رو عوامل تأثیرگذار بر تغییر خانواده در شهر تهران بیش از هر جای دیگر توان تغییر خانواده را دارد؛ البته بهتر است این بررسی در شهرها و مناطق مختلف انجام شود تا امکان بررسی مقایسه‌ای، فراهم و نتایج متقن‌تری از مقایسه گزارش شود. در جدول ۵، وضعیت گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی مشاهده می‌شود.

با ورود برخی جوامع به گستره فراصنعتی ارزش‌های پست‌مدرن که در آن نیاز چندانی به خانواده وجود ندارد با پذیرش همجنس‌گرایی، طلاق، سقط جنین، پذیرش هنجارهای جنسی آزاداندیشانه، خوداظهاری، ابراز وجود فردی، آزادی فردی، خودمختاری، جامعه فرد محور، پذیرش تساهل و تسامح مشاهده می‌شود؛ چنانکه گفته شد برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته، تغییر خطی ارزش‌های سنتی به مدرن وجود ندارد (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹) و عناصری از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی نیز به چشم می‌خورد. جدول ۴، توصیف ارزش‌های پست‌مدرن در خانواده تهرانی است؛ چنانکه مشاهده می‌شود در طلاق، لذت‌طلبی‌های فردی و سقط جنین، بیشترین و در ارتباط جنسی زن متأهل و همجنس‌بازی، کمترین تساهل و تسامح دیده می‌شود.

جدول ۴- توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی پست مدرن

میانگین گویه	جمع		کاملاً مخالف	مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
	فراوانی	درصد						
۰/۶۷۰۶	۵۸۱	۱۰۰	۵۷/۳	۲۹	۶/۲	۴	۳/۴	از نظر من ازدواج باید منسوخ شود
۱/۳۵۹۹	۵۸۵	۱۰۰	۲۰/۵	۴۳	۲۱/۳	۱۰/۲	۴/۹	میان راحتی خود و داشتن فرزند، راحتی خود را انتخاب می‌کنم
۱/۷۸۳۸	۵۸۷	۱۰۰	۲۶/۷	۲۱/۲	۱۳/۷	۲۳/۸	۱۴/۶	در صورت توافق زن و شوهر باید سقط جنین آزاد باشد
۱/۹۷۳۳	۵۸۲	۱۰۰	۱۵/۴	۲۳/۶	۲۴/۲	۲۲	۱۴/۸	اگر ادامه زندگی با آسایش افراد منافات داشته باشد آنها می‌توانند به راحتی از هم طلاق بگیرد
۰/۹۸۶۲	۵۸۵	۱۰۰	۴۷/۱	۲۷/۳	۱۰/۹	۹/۶	۵/۲	دختر و پسر قبل از ازدواج می‌توانند با هم زیر یک سقف زندگی کنند
۰/۲۵۷۷	۵۹۲	۱۰۰	۸۱/۸	۱۳/۸	۲/۲	۱/۳	۰/۹	زن متأهل می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر داشته باشد
۰/۸۳۹۴	۵۹۷	۱۰۰	۵۶/۱	۲۱/۳	۱۰	۷/۶	۵	می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت
۰/۴۰۲۱	۵۹۸	۱۰۰	۷۵/۶	۱۴/۶	۵/۸	۲/۱	۱/۹	می‌توان همجنس‌بازی را پذیرفت
۱/۶۰۶۷	۶۰۰	۱۰۰	۲۰/۵	۲۹/۶	۲۵/۸	۱۶/۷	۷/۳	آسایش و لذت بردن در زندگی از همه چیز مهم‌تر است و افراد باید در پی خوشی خود باشند
۱/۰۹۷۷	۵۸۹/۶۶	۱۰۰	۴۴/۵۵۵	۲۴/۸۲۲	۱۳۳۴۴	۱۰/۸۱۱	۶/۴۴۴	ارزش‌های پست مدرن خانوادگی

جدول ۵- گونه‌های ارزش‌های خانوادگی^۱

	ارزش‌های خانوادگی سستی		ارزش‌های خانوادگی مدرن	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ارزش‌های خانوادگی پست مدرن	۲۳/۰۳۴۰	۳۵/۶۵۲	۲۷/۰۸۶۱	۲۲/۲۴۰
ارزش‌های خانوادگی سستی	۵/۸۶۸۶۳	۵/۹۷۰۹۶	۴/۷۱۵۹۱	۳۵/۶۵۲

با دیدگاهی مطابق با نظریه مدرنیته، روند تحولات اجتماعی در فرمولی ساده به سستی، مدرن و پسامدرن طبقه‌بندی می‌شود. این طبقه‌بندی از جهتی معنای تاریخی دارد و از جهت دیگر، لزوماً معنای تاریخی، یعنی به تقدم و تأخر زمانی اشاره ندارد؛ بلکه حالت‌ها یا وضعیت‌های اجتماعی معینی را تعریف می‌کند که این حالت‌ها به‌طور هم‌زمان نیز مشاهده می‌شوند. به عبارتی ما لزوماً نمی‌توانیم بگوییم یک مرحله تاریخی، سنتی و بعد از آن مدرنیته یا پست مدرنیته است؛ زیرا تحول خطی در همه جوامع وجود ندارد و در برخی جوامع جهت‌گیری فرهنگی تغییر کرده است. در این پژوهش، ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در سطح وسیع و همچنین نشانه‌هایی از ارزش‌های پست مدرن در برخی ابعاد مشاهده می‌شود. ارزش‌های مدرن به شکل گسترده‌ای نمایان است؛ اما ارزش‌های سنتی نیز در سطح وسیعی پذیرفته می‌شود؛ بنابراین، روند تحول ارزشی خطی نیست. تغییر فرهنگی مطرح است؛ اما تداوم و پایداری سنت‌های فرهنگی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارزش‌های مدرن، بیشترین میانگین و کمترین واریانس را در میان ارزش‌های خانوادگی دارد، شیوع و همگنی بیشتری دارد و در مقابل، کمترین میانگین و بیشترین واریانس در ارزش‌های پست مدرن به چشم می‌خورد. ارزش‌های سنتی با میانگینی نزدیک به ارزش‌های مدرن در سطح وسیعی به چشم می‌خورد.

^۱ در دامنه ۰ تا ۳۶

همان‌طورکه در جدول ۶ مشاهده می‌شود تفاوت جنسیتی قابل قبول و معنادار در نگرش‌های خانوادگی سنتی و مدرن وجود دارد. مردان بیش از زنان به ارزش‌های سنتی و کمتر از آنها به ارزش‌های مدرن خانوادگی گرایش دارند؛ اما در ارزش‌های پست‌مدرن تفاوت جنسیتی مشاهده نمی‌شود. مشابه این یافته در پژوهش گودرزی نیز هست که نشان داد تغییر ارزش‌ها با متغیر جنسیت رابطه معنادار دارد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۴۲۱). در ارزش‌های پست‌مدرن، تفاوت جنسیتی به چشم نمی‌خورد و زنان و مردان در این حوزه نگرش‌های یکسان دارند؛ بنابراین، فرضیه رابطه میان جنسیت با ارزش‌های سنتی و مدرن خانوادگی پذیرفته می‌شود.

نیز به چشم می‌خورد و جایگزینی فرهنگی به کندی در حال وقوع است؛ اما ارزش‌های سنتی همچنان پابرجاست و در سطح وسیعی پذیرفته می‌شود. در ادامه این مقاله، گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی در گروه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی و جمعیتی بررسی می‌شود.

جنسیت و ارزش‌های خانوادگی

چنانکه اشاره شد، برخی نظریه‌پردازان از جمله اینگلهارت، گیدنز، اولریک بک و الیزابت بک گزارش کرده‌اند زنان با رسیدن به سطح تحصیلات بالاتر و اشتغال به قدرت‌هایی دست یافته‌اند و توانسته‌اند موجبات تغییرات ارزشی در جامعه و خانواده را به سمت برابری جنسیتی فراهم کنند.

جدول ۶ - آزمون میانگین تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌های خانوادگی

ارزش‌های خانوادگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد		آزمون لون	t	درجه آزادی	P مقدار
			F	P مقدار				
سنتی مردان	۲۹۴	۸۴۳۷.۲۴	۱۵۵۵۹.۵	۷,۲۰۸	۰,۰۰۷	۷۵۸.۷	۵۹۸	۰,۰۰۰
سنتی زنان	۳۰۶	۲۹۶۵.۲۱	۵,۹۹۳.۰۲			۷,۷۸۲	۵۹۰,۹۳۸	۰,۰۰۰
مدرن مردان	۲۹۴	۸۲۷۹.۲۵	۴۹۶۸۳.۴	۰,۰۵۸	۰,۴۴۶	-۶,۶۱۹	۵۹۸	۰,۰۰۰
مدرن زنان	۳۰۶	۲۹۲۴.۲۸	۶۱۱۹۱.۴			-۶۲۲,۶	۵۹۷,۸۲۶	۰,۰۰۰
پست‌مدرن مردان	۲۹۴	۶۴۵۰.۹	۴۹۹۵۰.۵	۵,۸۶۱	۰,۰۱۶	-۰,۹۲۲	۵۹۸	۰,۳۵۷
پست‌مدرن زنان	۳۰۶	۰۹۴۷.۱۰	۳۹۲۳۰.۶			-۰,۹۲۵	۵۹۰,۹۴۷	۰,۳۵۵

اول، دوم و سوم تفاوت چشمگیری وجود دارد. مقاومت مردان در برابر تغییر ارزش‌های خانوادگی در این جدول نمایان است.

بر اساس جدول ۷، بیشترین تفاوت‌های جنسیتی در نسل دوم و به‌خصوص در نسل سوم وجود دارد. در نگرش‌های سنتی و مدرن مردان نسل اول، دوم و سوم تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود؛ اما در نگرش‌های سنتی و مدرن زنان نسل

جدول ۷ - تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌های خانوادگی نسل‌ها

ارزش‌های خانوادگی	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
سنتی مرد	۲۷/۷۸۵۷	۲۵/۰۵۷۹	۲۴/۲۰۷۲
سنتی زن	۲۷/۱۴۳۰	۲۱/۹۰۳۸	۱۹/۱۵۸۱
مدرن مرد	۲۵/۵۰۰	۲۶/۲۴۵۲	۲۵/۴۱۷۶
مدرن زن	۲۴/۴۳۱۸	۲۷/۷۵۶۱	۲۹/۸۳۷۸
پست‌مدرن مرد	۸/۷۳۹۲	۸/۳۴۴۹	۱۱/۱۹۸۳
پست‌مدرن زن	۶/۱۶۰۴	۹/۳۰۴۵	۱۱/۹۱۰۰

وضعیت تأهل و ارزش‌های خانوادگی

پست‌مدرنیستی بالاتری نسبت به متأهل‌ها دارند. مشابه این یافته در پژوهش گودرزی است که نشان داد تغییر ارزش‌ها با وضعیت تأهل از دید پاسخ‌گویان رابطه معنادار دارد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۴۲۱).

براساس جدول ۸، وضعیت تأهل با ارزش‌های سنتی و ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی رابطه معنادار قابل قبول دارد. متأهل‌ها از مجردها سنتی‌ترند و مجردها نگرش‌های

جدول ۸- آزمون وضعیت تأهل در ارزش‌های خانوادگی

ارزش‌های خانوادگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لون		t	درجه آزادی	P مقدار
				F	P مقدار			
سنتی	۲۰۷	۸۱۱۵.۲۱	۱۵۳۶۰.۶	۷۷۲.۴	۰.۲۹	-۳,۷۲۳	۵۹۴	۰,۰۰۰
متأهلین	۳۸۸	۶۶۵۸.۲۳	۵۸۶۸۹.۵			-۳,۶۱۵	۳۸۷,۷۲۴	۰,۰۰۰
مدرن	۲۰۷	۱۴۲۰.۲۷	۸۵۶۹۳.۴	۸۱۰.۲	۰.۹۴	۰,۳۲۵	۵۹۴	۰,۷۴۵
متأهلین	۳۸۸	۱۰۲.۲۷	۶۴۴۱۳.۴			۰,۳۲۰	۴۰۵,۳۰۳	۰,۷۴۹
پست‌مدرن	۲۰۷	۷۵۵۴.۱۱	۳۴۶۰۸.۶	۲۹۸.۹	۰.۰۲	۵,۷۱۰	۵۹۴	۰,۰۰۰
متأهلین	۳۸۸	۸۹۶۲.۸	۵۲۲۴.۵			۵,۴۷۴	۳۷۴,۱۴۱	۰,۰۰۰

موقعیت اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های خانوادگی

غیرمستقیم دارد (ملکی، ۱۳۸۴)؛ بنابراین، فرضیه رابطه درآمد و تحصیلات در گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی قابل قبول است و همچنین فرضیه رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی با ارزش‌های سنتی پذیرفته می‌شود.

براساس مشاهدات جدول ۹، رابطه معناداری میان تحصیلات و ارزش‌های خانوادگی به‌خصوص ارزش‌های سنتی وجود دارد؛ به‌طوری‌که ارزش‌های خانوادگی سنتی در افراد با تحصیلات پایین‌تر و ارزش‌های خانوادگی مدرن و پست‌مدرن در افراد با تحصیلات بالاتر دیده می‌شود؛ اما این رابطه در ارزش‌های پست‌مدرن ضعیف است. بنابراین، فرضیه رابطه میان تحصیلات و ارزش‌های خانوادگی پذیرفته می‌شود.

جدول ۹- تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های خانوادگی

ارزش‌های خانوادگی	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	آزمون F	P مقدار
ارزش‌های خانوادگی سنتی	۲۷/۳۵۷۲	۲۳/۵۳۹۴	۲۱/۶۳۸۹	۲۴/۹۹۱	۰/۰۰۰
ارزش‌های خانوادگی مدرن	۲۴/۷۸۷۸	۲۶/۹۷۲۶	۲۷/۶۶۶۰	۸/۶۸۸	۰/۰۰۰
ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن	۷/۰۲۰۰	۸/۸۰۶۹	۱۱/۵۶۰۳	۲۲/۷۶۹	۰/۰۰۰

نسل و ارزش‌های خانوادگی

به گفته اینگلهارت، تغییر فرهنگی تدریجی است و با جایگزینی نسلی، خود را نشان می‌دهد. نظریه تغییر ارزشی بر این دلالت دارد که فرهنگ، یک‌شبه تغییر نمی‌کند. فرمانروایان

مشابه این یافته را در پژوهش گودرزی مشاهده کردیم که نشان داد تغییر ارزش‌ها با تحصیلات رابطه معنادار دارد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۴۲۱). همچنین، ارزش‌های سنتی، بیشتر در افراد با درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تحصیلات پایین‌تر دیده می‌شود. ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن در افراد با تحصیلات و درآمدهای بالاتر بیشتر مشاهده می‌شود. مشابه این نتایج را ملکی در پژوهش خود نشان داده بود که در ایران سالخورده‌گان، کم‌سوادان و فقیران، بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به ارزش‌های سنتی پایبندند و تجانس ارزشی بیشتری در این خصوص دارند. او تحصیلات را مهم‌ترین و موثرترین متغیر نوسازی در سطح خرد معرفی کرده بود که بر تمامی مؤلفه‌های ارزشی تأثیر مستقیم یا

اول همگام است و شرایطی را به وجود می‌آورد که گسست نسلی واقع نشود و امکان همزیستی نسلی فراهم شود. ارزش‌های سنتی در هر سه نسل پابرجاست و در نسل دوم و سوم ارزش‌های مدرن بالاتر است و این دو نسل همگن هستند؛ بنابراین، کارگزار فرهنگی بوده‌اند و ارزش‌های خانوادگی مدرن و برابرطلبانه خانوادگی را به نمایش گذاشته‌اند. واریانس نسلی ارزش‌های خانوادگی نشان می‌دهد در گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی تفاوت بین نسلی مشهود است و عنصر نسل تمایزدهنده ارزش‌های خانوادگی است؛ بنابراین، فرضیه رابطه میان عنصر نسل و ارزش‌های خانوادگی پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۰- میانگین ارزش‌های خانوادگی در سه نسل

تحصیلات	پایگاه اقتصادی اجتماعی*	درآمد	ضریب P	ضریب P	ضریب P
مقدار	گاما	ضریب P	ضریب P	ضریب P	ضریب P
۰,۰۰۰	-۰,۲۸۰	۰,۰۰۰	-۰,۲۰۸	۰,۰۰۰	-۰,۲۴۱
ارزش‌های خانوادگی سنتی					
۰,۰۰۰	۰,۱۹۳	۰,۱۲۷	۰,۰۸۲	۰,۰۳۳	۰,۰۹۳
ارزش‌های خانوادگی مدرن					
۰,۰۳۹	۰,۱۰۷	۰,۱۰۲	۰,۰۸۸	۰,۰۰۰	۰,۱۹۸

* پایگاه اقتصادی و اجتماعی از ترکیب سه گویه منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات ساخته شده است.

و قوانین تغییر می‌کنند؛ اما تغییر جنبه‌های اساسی فرهنگ سال‌ها طول می‌کشد. وقتی دگرگونی فرهنگی مهمی رخ دهد به تفاوت‌هایی در میان نسل‌ها می‌انجامد؛ زیرا این دگرگونی‌ها در میان گروه‌های جوان‌تر که نیازی به غلبه بر مقاومت یادگیری متناقض اولیه ندارند با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد تا در میان گروه‌های بزرگتر (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰ به نقل از اکشتاین، ۱۹۸۸).

همان‌طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن هم‌زمان به شکل گسترده در میان همه نسل‌ها وجود دارد و ارزش‌های سنتی سیر نزولی و ارزش‌های مدرن سیر صعودی دارند؛ اما این روند تغییرات سریعی را نشان نمی‌دهد. بارقه‌هایی از ارزش‌های پست‌مدرن نیز وجود دارد که سیر افزایشی را نشان می‌دهد. تحول خطی در ارزش‌های خانوادگی دیده نمی‌شود و باتوجه به ساختار جمعیتی جوان ایران و ترکیب جنسیتی آن، تحولات عمده‌ای به وجود آمده که از راه فهم نسلی ممکن است و این ساختار جنسیتی نسلی، بالاتر بودن میانگین ارزش‌های مدرن خانوادگی و تفوق آن را موجب شده است. ارزش‌های خانوادگی سنتی از نسل اول به سوم کاهش دارد؛ اما به شکل گسترده‌ای دیده می‌شود و ارزش‌های خانوادگی مدرن و پست‌مدرن از نسل اول به سوم افزایش دارد.

آزمون تعقیبی نشان می‌دهد ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل اول، ارزش‌های خانوادگی مدرن در نسل دوم و سوم، ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن در نسل سوم بیشتر است. نسل دوم پیونددهنده و میانجی نسل‌ها به شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که در مدرنیته با نسل سوم و در پست‌مدرن با نسل

جدول ۱۱- آزمون تعقیبی شفه در نسل و ارزش‌های خانوادگی

ارزش‌های خانوادگی سنتی	ارزش‌های خانوادگی مدرن	ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن	نسل	تعداد
گروه همگن اول	گروه همگن اول	گروه همگن اول	اول	۵۳
گروه همگن دوم	گروه همگن دوم	گروه همگن دوم	دوم	۲۷۸
گروه همگن سوم	گروه همگن سوم	گروه همگن سوم	سوم	۲۶۷
۲۷/۳۵۷۲	۲۴/۷۸۷۸	۱۱/۵۶۰۳		
۲۳/۵۳۹۴	۲۶/۹۷۲۶	۸/۸۰۶۹		
۲۱/۶۳۸۹	۲۷/۶۶۶۰	۱/۰۰۰		
۱/۰۰۰	۰/۴۹۵	۰/۰۶۳		
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		

نشان‌دهنده فروپاشی خانواده در آینده‌ای نزدیک و شاید دور در نظر گرفته نمی‌شود.

با ورود هم‌زمان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در ارزش‌های سنتی چنانکه در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود ۲۲,۷٪ از ارزش‌های سنتی خانوادگی به ترتیب با متغیرهای جنسیت، نسل، تحصیلات و درآمد تبیین می‌شود. مردان، مسن‌ترها، افراد با تحصیلات و درآمد کمتر، نگرش‌های سنتی‌تری دارند. مردان در تغییر ارزش‌های سنتی در هر سه نسل از خود مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

همان‌طورکه مشاهده شد در این پژوهش کاهش ارزش‌های سنتی و افزایش ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن خانوادگی مشاهده شد. همچنین، تفاوت بین نسلی در ارزش‌های خانوادگی وجود دارد که به‌خصوص تمایزدهنده نسل اول و سوم است. درعین‌حال که نسل سوم در ارزش‌های پست‌مدرن، خود را از نسل اول و دوم متمایز می‌کند، در همین نسل ارزش‌های خانوادگی سنتی وجود دارد؛ البته باید در نظر داشت ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی درحال افزایش است که به نوعی تجزیه و انشقاق در خانواده را به همراه دارد؛ اما این افزایش به اندازه‌ای بطئی است که

جدول ۱۲- رگرسیون چندمتغیره ارزش‌های خانوادگی سنتی

الگو	B	Beta	R				t
			Adjusted R Square	Square R	sig	F	
۱ ثابت	۲۸,۴۹۴		۰,۳۰۱	۰,۰۰۰	۵۱,۳۹۶	۳۶,۷۰۸	
	-۳,۴۹۹	-۰,۳۰۱		۰,۰۰۰		-۷,۱۶۹	
۲ ثابت	۳۵,۲۶۰		۰,۳۰۱	۰,۰۰۰	۵۷,۱۳۶	۳۰,۴۳۰	
	-۳,۷۱۶	-۰,۳۲۰		۰,۰۰۰		-۸,۰۰۲	
نسل	-۲,۷۴۷	-۰,۳۰۳		۰,۰۰۰		-۷,۵۶۷	
	۳۶,۰۴۵		۰,۳۰۳	۰,۰۰۰	۲۳۸,۴۸	۳۱,۴۲۵	
۳ جنسیت	-۳,۵۶۷	-۰,۳۰۷		۰,۰۰۰		-۷,۸۲۳	
	-۲,۵۲۲	-۰,۲۷۸		۰,۰۰۰		-۷,۰۳۰	
نسل	-۲,۵۲۲	-۰,۲۷۸		۰,۰۰۰		-۷,۰۳۰	
	-۱,۰۵۷	-۰,۱۸۸		۰,۰۰۰		-۴,۷۵۷	
۴ درآمد	۳۶,۵۰۳		۰,۳۰۱	۰,۰۰۰	۸۸۷,۳۸	۳۱,۹۰۱	
	-۳,۷۲۷	-۰,۳۲۱		۰,۰۰۰		-۸,۲۰۸	
نسل	-۱,۹۹۰	-۰,۲۱۹		۰,۰۰۰		-۵,۱۰۸	
	-۸,۲۶۶	-۰,۱۴۷		۰,۰۰۰		-۳,۵۸۵	
تحصیلات	-۰,۶۳۳	-۰,۱۵۰		۰,۰۰۱		-۳,۳۲۵	

به‌خصوص در نسل‌های دوم و سوم کارگزار بوده‌اند. در زنان هرچه به سمت نسل‌های جدیدتر پیش می‌رویم تفاوت ارزشی بیشتر می‌شود. قدرت تبیین متغیرهای مذکور در ارزش‌های سنتی بیش از ارزش‌های مدرن است.

در جدول ۱۳ و در ورود هم‌زمان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود ۱۲,۵٪ از ارزش‌های مدرن خانوادگی به ترتیب با متغیرهای جنسیت، تحصیلات و نسل تبیین می‌شود. زنان در تغییر ارزش‌های سنتی به مدرن

جدول ۱۳- رگرسیون چندمتغیره ارزش‌های خانوادگی مدرن

الگو	B	Beta	R			t	Sig	F	sig
			R Square	Adjusted R Square	R				
۱ ثابت	۳۳۶.۲۳		۰.۶۶	۰.۶۴	۲۵۷.۰	۳۶.۶۹۷	۰.۰۰۰	۴۶۹.۳۶	۰.۰۰۰
جنسیت	۴۱۵.۲	۰.۲۵۷				۰.۳۹۰۶	۰.۰۰۰		
۲ ثابت	۷۲۶.۲۰		۰.۱۲۱	۰.۱۱۸	۳۴۸.۰	۸۸۹.۲۶	۰.۰۰۰	۳۴۴.۳۵	۰.۰۰۰
جنسیت	۶۳۵.۲	۰.۲۸۱				۰.۷۵۲۰۶	۰.۰۰۰		
تحصیلات	۸۰۲.۰	۰.۲۳۵				۰.۶۵۹۰۵	۰.۰۰۰		
۳ ثابت	۳۰۵.۱۹		۰.۱۳۰	۰.۱۲۵	۳۶۱.۰	۷۱۷.۱۹	۰.۰۰۰	۵۸۹.۲۵	۰.۰۰۰
جنسیت	۶۵۴.۲	۰.۲۸۳				۰.۸۲۳۰۶	۰.۰۰۰		
تحصیلات	۶۴۶.۰	۰.۱۸۹				۰.۱۳۷۰۴	۰.۰۰۰		
نسل	-۰.۷۸۳	۰.۱۰۷				۰.۳۳۸۰۲	۰.۰۲۰		

جنسیتی وجود ندارد و زنان و مردان به سوی همگرایی پیش می‌روند. قدرت تبیین متغیرهای مذکور در ارزش‌های پست‌مدرن کمتر است و بنابراین باید به دنبال عوامل اثرگذارتر از متغیرهای اقتصادی اجتماعی باشیم.

با ورود همزمان متغیرهای اقتصادی اجتماعی در ارزش‌های پست‌مدرن ملاحظه می‌شود که ۱۱.۵٪ از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی به ترتیب با متغیرهای نسل، وضعیت تأهل و درآمد تبیین می‌شود. در ارزش‌های پست‌مدرن تفاوت

جدول ۱۴- رگرسیون چندمتغیره ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن

الگو	B	Beta	R			t	Sig	F	sig
			R Square	Adjusted R Square	R				
۱ ثابت	۴۳۵۰		۰.۶۳	۰.۶۱	۰.۲۵۰	۴۶۶۴	۰.۰۰۰	۳۴۳۴۰	۰.۰۰۰
نسل	۲۲۴۹	۰.۲۵۰				۰.۵۸۶۰	۰.۰۰۰		
۲ ثابت	۹۰۴۶		۰.۰۹۵	۰.۰۹۱	۰.۳۰۸	۶۳۱۹	۰.۰۰۰	۲۶۸۷۶	۰.۰۰۰
نسل	۱۸۵۰	۰.۲۰۶				۰.۴۷۵۷	۰.۰۰۰		
وضعیت تأهل	-۲۲۵۶	-۰.۱۸۵				-۰.۴۲۷۳	۰.۰۰۰		
۳ ثابت	۷۷۳۶		۰.۳۴۶	۰.۱۱۵	۰.۳۴۶	۵۳۲۳	۰.۰۰۰	۲۳۳۰۸	۰.۰۰۰
نسل	۱۷۰۲	۰.۱۸۹				۰.۴۴۱۳	۰.۰۰۰		
وضعیت تأهل	-۲۰۴۶	-۰.۱۶۸				-۰.۳۹۰۶	۰.۰۰۰		
درآمد	۷E-۸,۹۷۸	۰.۱۶۱				۰.۳۸۳۹	۰.۰۰۰		

بحث و نتیجه

و مبتنی بر سن‌سالاری و جنس‌سالاری بوده است. به دنبال دگرگونی‌های جهانی، خانواده ایرانی نیز تغییراتی را تجربه کرده و دگرگونی‌هایی یافته است. این تحولات موجب شده

در گذشته، خانواده ایرانی براساس پدر تباری، پدر مکانی و اولویت جنس مذکر استوار بوده و روابط افراد، سلسله مراتبی

دیگر گونه‌ها را موجب شده است.

ارزش‌های خانوادگی سنتی از نسل اول به سوم کاهش دارد؛ اما همچنان به شکل گسترده‌ای دیده می‌شود و ارزش‌های خانوادگی مدرن و پست‌مدرن از نسل اول به سوم افزایش دارد. تحلیل واریانس نسلی نشان می‌دهد در گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی تفاوت بین نسلی مشهود است و عنصر نسل تمایزدهنده ارزش‌های خانوادگی است. ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل اول و ارزش‌های خانوادگی مدرن در نسل‌های دوم و سوم بیشتر است. نسل دوم همانند پیونددهنده و میانجی نسل‌ها عمل می‌کند و در ارزش‌های مدرن با نسل سوم و در ارزش‌های پست‌مدرن با نسل اول همگام شده است و شرایطی را به وجود آورده که امکان همزیستی نسلی فراهم شده است. ارزش‌های سنتی در هر سه نسل پابرجاست و در نسل دوم و سوم ارزش‌های مدرن بالاتر است و بنابراین نسل به مثابه کارگزار فرهنگی، ارزش‌های خانوادگی مدرن و برابرطلبانه را به نمایش گذارده است. تغییر فرهنگی مطرح است؛ اما تداوم و پایداری سنت‌های فرهنگی نیز به چشم می‌خورد و جایگزینی فرهنگی به کندی در حال وقوع است؛ اما ارزش‌های سنتی همچنان پابرجاست و در سطح وسیعی پذیرفته می‌شود.

ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در حال افزایش است که به نوعی تجزیه و انشقاق در خانواده را به همراه دارد؛ اما این افزایش به اندازه‌ای بطئی است که نشان‌دهنده فروپاشی خانواده در آینده‌ای نزدیک و شاید دور در نظر گرفته نمی‌شود.

این پژوهش نشان داد جنسیت، عامل تعیین‌کننده مهمی در ارزش‌های سنتی و مدرن است. همان‌طور که گفته شد مشابه این نتیجه در پژوهش‌های متعدد اینگلهارت، گیدنز، بک، گودرزی و ملکی گزارش شده است که زنان با رسیدن به سطح تحصیلات بالاتر و اشتغال به قدرت‌هایی دست یافته‌اند و توانسته‌اند موجبات تغییرات ارزشی در جامعه و خانواده را به سمت برابری جنسیتی فراهم کنند. در ارزش‌های پست‌مدرن، تفاوت‌های

است جامعه ایرانی، سادگی قدیم خود را از دست بدهند و روابط میان گروه‌ها نیز پیچیدگی پیدا کند.

ایرانی، همواره خانواده‌مدار بوده و بقای جامعه ایرانی بدون خانواده ممکن نبوده است؛ اما برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد خانواده ایرانی در تطابق خود با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی با تناقضاتی مواجه شده است. این پژوهش‌ها به نوعی نشان‌دهنده تغییر ارزش‌ها، افول ارزش‌های سنتی خانوادگی و افزایش آزاداندیشی‌های پست‌مدرن یا حضور هم‌زمان این سه دارد که هر یک از آنها به زمینه متناسب با آنها نیازمند است و بخشی از آنها با میراث فرهنگی ایرانی منافات دارد که همواره خانواده‌مداری و دین‌مداری، جزء جدانشدنی آن بوده است. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که آیا جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته، روند کاهش ارزش‌های سنتی و افزایش ارزش‌های مدرن را طی می‌کند یا در حالی که هنوز مسیر سنت به مدرنیته را طی نکرده است ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را تجربه می‌کند؛ آیا به‌طور هم‌زمان شکل‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی در جامعه ما وجود دارد؛ عوامل مؤثر بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی چیست و بررسی نسلی ارزش‌های خانوادگی روند تغییرات را چگونه نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان داد روند تحول ارزشی در خانواده تهرانی خطی نیست. ارزش‌های سنتی و مدرن خانوادگی در سطح وسیعی وجود دارد و درجاتی خفیف از ارزش‌های پست‌مدرن به چشم می‌خورد. ارزش‌های مدرن به شکل گسترده‌ای، نمایان و در حال افزایش است؛ اما از ارزش‌های سنتی به شدت کاسته نشده است. ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن به شکل گسترده در همه نسل‌ها وجود دارد. ارزش‌های سنتی سیر نزولی و ارزش‌های مدرن سیر صعودی دارد؛ اما این روند، تغییرات سریع را در افول ارزش‌های سنتی نشان نمی‌دهد. همچنین، بارقه‌هایی از ارزش‌های پست‌مدرن وجود دارد که روند افزایشی دارد. ساختار نسلی جنسیتی جامعه ما بالاتر بودن میانگین ارزش‌های مدرن و تفوق آن بر

جنسیتی آورده است آنچه گسست نسلی عنوان می‌شود در واقع انقطاع میان نسل‌ها نیست و بیان‌کننده تحولات اجتماعی و فرهنگی از نوع روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی در ایران معاصر است که در آن، جامعه ایران با روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی نظام نوین بازتولید اجتماعی خود را محقق می‌کند (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۸۴). همچنین در پژوهش گودرزی (۱۳۸۸)، آزادارمکی و عسگری خانقاه (۱۳۸۰)، خزائی (۱۳۷۹)، ملکی (۱۳۸۴)، آزادارمکی (۱۳۸۰) و شکوری و آزادارمکی (۱۳۸۱) نتایج مشابه گزارش شده است.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد ۲۲٫۷٪ از ارزش‌های سنتی خانوادگی به ترتیب با متغیرهای جنسیت، نسل، تحصیلات و درآمد تبیین می‌شود. مردان در تغییر ارزش‌های سنتی در هر سه نسل از خود مقاومت نشان می‌دهند. جنسیت، تحصیلات و نسل ۱۲٫۵٪ از ارزش‌های مدرن خانوادگی را تبیین می‌کنند. زنان به واسطه جمعیت خود در تغییر ارزش‌های سنتی به مدرن به خصوص در نسل‌های دوم و سوم کارگزار فرهنگی بوده‌اند و توفیقاتی به دست آورده‌اند. در زنان هرچه به سمت نسل‌های جوان‌تر می‌رویم، تفاوت نگرشی بیشتر می‌شود. در ارزش‌های پست‌مدرن ۱۱٫۵٪ از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی به ترتیب با متغیرهای نسل، وضعیت تأهل و درآمد تبیین می‌شود. در ارزش‌های پست‌مدرن تفاوت جنسیتی وجود ندارد و زنان و مردان به سوی همگرایی پیش می‌روند. قدرت تبیین متغیرهای مذکور در ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن کمتر است و بنابراین باید به دنبال عوامل اثرگذارتر از این متغیرها باشیم.

پژوهش حاضر نشان داد در شهر تهران اهمیت خانواده همچنان بالاست. ارزش‌های سنتی در هر سه نسل اهمیت بسیاری دارد و آرام و تدریجی جای خود را به ارزش‌های مدرن می‌دهد و ارزش‌های پست‌مدرن نیز در حال ظهور و گسترش است. تفاوت نسلی وجود دارد؛ اما در ارزش‌های سنتی و مدرن تفاوت‌های جنسیتی بیش از تفاوت‌های نسلی خودنمایی می‌کند.

جنسیتی به چشم نمی‌خورد و زنان و مردان در این حوزه نگرش‌های یکسان دارند. در ارزش‌های سنتی و مدرن تفاوت‌های جنسیتی بیش از تفاوت‌های نسلی مطرح است و این وضعیت در نسل دوم و سوم نمایان‌تر است.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد میان تحصیلات و ارزش‌های خانوادگی به خصوص ارزش‌های سنتی رابطه معنادار وجود دارد. به طوری که ارزش‌های خانوادگی سنتی در افراد با تحصیلات پایین‌تر و ارزش‌های خانوادگی مدرن و پست‌مدرن در افراد با تحصیلات بالاتر دیده می‌شود؛ اما این رابطه در ارزش‌های پست‌مدرن ضعیف است. ارزش‌های سنتی در درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و در تحصیلات پایین‌تر بیشتر دیده می‌شود. ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن در تحصیلات و درآمد بالاتر، بیشتر دیده می‌شود.

در این پژوهش، کاهش ارزش‌های سنتی و افزایش ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن خانوادگی مشاهده شد. نتایجی مشابه این پژوهش در مطالعات آماتو و بوت (۱۹۹۵)، چرلین (۲۰۰۴)، آکسین و تورنتن (۱۹۹۳)؛ بامپس (۱۹۹۸)؛ منینگ و همکاران (۲۰۰۷)، چودوری و تراواتو (۱۹۹۴)، گوتیرز - دومنه (۲۰۰۸)، مالهوترا و تسیو (۱۹۹۶)، ویلامز (۲۰۰۷)، چو و شین (۱۹۹۶)، شاکلا و کاپادیا (۲۰۰۷)، ونگ (۱۹۹۴)، هیگینز و همکاران (۲۰۰۲)، یو (۱۹۹۴)، اسمیت و باس (۲۰۰۱)، باس (۱۹۸۹)، باس و همکاران (۲۰۰۱)، تورو، مورن و اسپرچر (۲۰۰۳)؛ شاکلفورد، اسمیت، باس (۲۰۰۵)، اریکسن (۱۹۶۸)، لوینسن، دارو، کلاین، لوینسن، مک کی (۱۹۷۸) و وایلنت (۱۹۷۷) دیده شده است (دلخمش، ۱۳۸۸: ۲۰۸).

همچنین مشاهده شد تفاوت بین نسلی در ارزش‌های خانوادگی وجود دارد که به خصوص تمایزدهنده نسل اول و سوم است. در عین حال که نسل سوم در ارزش‌های پست‌مدرن خود را از نسل اول و دوم متمایز می‌کند، در همین نسل ارزش‌های خانوادگی سنتی وجود دارد و این یافته تأییدکننده پژوهش عبداللهیان است که در مقاله نسل‌ها و نگرش‌های

اینگله‌هات، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگ در جامعه پیشرفته صنعتی، وتر، م.، تهران: کویر.

اینگله‌هات، ر. و ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، احمدی، ی.، تهران: کویر.

خزائی، ط. (۱۳۷۹). *بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی (باتأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای اجتماعی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

دلخوش، م. ت. (۱۳۸۸). «سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، *خانواده پژوهی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۲۳۰ - ۲۰۷.

دواس، دی. ای. (۱۳۸۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، نایی، ه.، تهران: نشر نی.

سرای، ح. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: سمت.

شکوری، ع. و آزادارمکی، ت. (۱۳۸۱). «مدرنیته و خانواده ایرانی»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، ش ۳۰ و ۳۱، ص ۲۶۸ - ۲۴۵.

عبداللهیان، ح. (۱۳۷۸). «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی»، *پژوهش زنان*، دوره ۲، ش ۳، ص ۸۴ - ۵۷.

فاضلی، م. و کلانتری، م. (۱۳۹۱). «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها: مطالعه موردی در شهر ساری»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۸ - ۸۴.

کاظمی‌پور، ش. (۱۳۷۸). «الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۴، ص ۱۷۲ - ۱۳۹.

گودرزی، س. (۱۳۸۸). «تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط با آن»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، ش ۳۹،

در حوزه ارزش‌های سنتی و مدرن خانوادگی تفاوت جنسیتی بیش از تفاوت نسلی مطرح است و بنابراین رسیدن به توافق ارزشی برای پیشگیری از تضاد در خانواده ضروری می‌نماید. باتوجه به اهمیت فاکتور نسل و وضعیت تأهل در ارزش‌های پست‌مدرن، فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای نسل جوان در پیشگیری از گسترش ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی کمک‌کننده است.

توان تبیین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های پست‌مدرن کاهش چشمگیری یافته است؛ بنابراین در تبیین پدیده‌های جدید اجتماعی در عصر نوسازی باید به دنبال متغیرهای اثرگذارتری بود. در حوزه پژوهش، بررسی دیگر عوامل اثرگذار بر ارزش‌های خانوادگی و بررسی‌های کیفی پیشنهاد می‌شود.

منابع

آزادارمکی، ت. و عسگری خانقاه، ا. (۱۳۸۰). «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۲۵۰ - ۲۳۳.

آزادارمکی، ت. (۱۳۸۰). «شکاف بین نسلی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، تهران: کلمه، ص ۱۶ - ۱.

آزادارمکی، ت. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.

آزادارمکی، ت.؛ مدیری، ف. و وکیلی، ع. (۱۳۸۹). «خانواده ایرانی: فروپاشی یا تغییرات بنیادی با بررسی نقش آموزش عمومی همگانی در بهبود وضع موجود»، *مجله خانواده و پژوهش*، سال هفتم، ش ۱، ص ۸۴ - ۶۳.

آزادارمکی، ت. و شریفی ساعی، م. ح. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *خانواده پژوهی*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۴۶۲ - ۴۳۵.

- Inglehart, R. and Baker, W. (2000) "Modernization, Cultural change and the persistence of Traditional values", *American Sociological Review*, 65: 51 – 19.
- Inglehart, R. and Norris, P. (2003) *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change around the World*, New York: Cambridge University Press.
- Manning, W. D. Longmore, M. A. and Giordano, P. C. (2007) "The Changing Institution of Marriage: Dolescents' expectations To Cohabit and To Marry". *Journal of Marriage and Family*, 69:559-575.
- ص ۴۴۴-۴۲۱.
- مشیدی، ش. (۱۳۹۰). تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- ملکی، ا. (۱۳۸۴). بررسی نظام ارزشی جامعه ایران؛ با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی رونالد اینگلههارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- میرفردی، ا.؛ احمدی، س. و رفیعی بلداجی، ز. (۱۳۹۰). «بررسی اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی (مورد مطالعه: معلمان شهرستان بروجن)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش ۳، ص ۱۶۸-۱۴۷.
- وثوقی، م. و اکبری، ح. (۱۳۸۹). «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها یک مطالعه تطبیقی»، *مجله تحلیل اجتماعی؛ نظم و نابرابری اجتماعی*، ش ۵۹/۴، ص ۱۲۸-۹۳.
- یوسفی، ن. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Amato, P.R. and Boot, A. (1995) "Changes In Gender Role Attitudes and Perceive Marital Quality", *American Sociological Review*, 60 (1): 58 – 66.
- Axinn, W. G. and Thornton, A. (1993) "Mothers, Children, and Cohabitation: The Intergenerational Effects of Attitudes and Behavior" *American Sociological Review*, 58: 233-246.
- Bumpass, L. L. (1998) *The changing significance of marriage in the United States*, In K. O. Mason, N. Nilsuya, and M. Choe (Eds.), *The changing family in comparative perspective: Asia and the United States* (pp. 63 – 79), Honolulu, HI: East-West Center.
- Cherlin, A. (2004) "The Deinstitutionalization of American Marriage", *Journal of Marriage and Family*, 66 (4): 848 – 861.
- Gillis, V. (2003) *Family and Intimate Relationships: A Reviwe of the sociological Research*, *Families & social capital ESRC Research group*, London.